

شماره: ۲۷

ششم شوال المکرم ۱۴۲۶

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

توبه

گلستان رضای پروردگار

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على سيّدنا ونبيّنا محمّد وآله
الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

مناجات اولی و ثانیه که از سلسله مناجات خمس عشر است را گفتگو
کردیم تا اواخر مناجات ثانیه . حالا چون کلمات شیرین هست و بر دل هم
می نشیند چون از دل بر آمده ، یکبار دیگر این مناجات ثانیه را تکرار می کنیم
تا از جلسه بعد وارد شویم در مناجات ثالثه .

«إلهی إلیک أشکو نفساً بالسوءِ أمارةً» با خدا گفتگو می کند شکوه از
نفسی که امر به زشتی ها است «وإلی الخطیئةِ مبادرةً» و مشوّق به خطا کاری
است «ویمعاصیک مولعةً» به گناه اصرار می کند . نفس بشر چنین است طبعاً
وقتی انسان را به بدکاری و گناه و خطا رهنمون شد به سخط و خشم الهی
گرفتار می شود «ولسخطک متعرّضة تسلک بی مسالك المهالك» ما را به راه
هلاکت سوق می دهد «وتجعلني عندک أهون هالك» و در نتیجه من که در
مسیر هلاکت قدم برداشته ام بنده ای هلاک شده و بی ارزش خواهم بود
«کثیرة العلل طویلة الأمل» بیمار دلی که آرزوهای دور و دراز دارد «إن مسّها

الشَّرُّ تَجَزَعُ» اگر ناملایمی ببیند به جزع در می آید «وإن مسَّها الخیر تمنع» اگر روز خوشی از دنیا ببیند دیگر به سمت خدا نمی رود «میآلة إلى اللعب واللهو» این نفس متمایل به بازی و سرگرمی است انسان را به سمتی می برد که انسان فکر کند همیشه کودک است. از کودک اغماض می شود چرا که عقل ندارد، انسان هم بزرگ شده ولی کودک است چون تمایل به بازی دارد «مملوّة بالغفلة والسّهو» همیشه دچار نسیان و فراموش کاری و غفلت است «تسرع بي إلى الحوبة» نفس آدمی را به گناه می کشاند «وتسوّفني بالتوبة» در بازگشت از گناه امروز و فردا می کند. بعضی افراد را ما دیده ایم: می گوئیم: آقا خداوند به شما این همه مکنّت و مال داده، باید فریضه حج را به جا بیاوری. می گوید: مکه مال پیر مردها است. مثل اینکه از حضرت عزرائیل عليه السلام نامه ای رسیده که ایشان تا پنجاه سال دیگر زنده است.

ماه مبارک رمضان را پشت سر گذاشتیم و خیلی استغفر الله گفتیم مخصوصاً در شب های قدر، حداقل به اعمال ظاهری عمل کردیم در اعمال مشترکه هفتاد مرتبه استغفر الله و أتوب إليه، بعد صد مرتبه استغفر الله ربي و أتوب إليه گفتیم. این به معنای بازگشت از گذشته و توبه است.

این مهم است که بعد از ماه رمضان آثار توبه را در خود احساس کنیم، ماه مهمانی گسترده الهی که درهای رحمت خداوند باز و ابواب جهنم بسته بود و شیطان در غل و زنجیر بود.

همین ماه مبارک در جمعی از دوستان صحبت این روایت شد که

شیطان در غل و زنجیر است. سؤال شد: پس چگونه است که بعضی‌ها در ماه مبارک رمضان گناه می‌کنند؟ من به نظرم آمد کسی که در ماه مبارک رمضان گناه می‌کند خودش شیطان است چرا که آن شیطان وسوسه کننده در غل و زنجیر است. ما آثار ماه مبارک رمضان، آثار استغفار و توبه را که صفای نفس، جلای دل، تطهیر روح و پاکیزه شدن انسان است، آیا همه این آثار را در خودمان دیدیم؟

صحيحه معاوية بن وهب را برای آقایانی که مأنوس بودیم مکرر خواندیم «إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَّصُوحاً أَحَبَّهُ اللَّهُ»^(۱) اگر بنده‌ای توبه حقیقی و قصد عدم بازگشت به گناه بکند محبوب خدا می‌شود. شما اگر کسی را دوست داشته باشید و محبوب شما باشد هر چه بخواهد به او نمی‌دهید؟ اثر اول توبه این است که تائب، مستجاب الدعوة می‌شود یعنی محال است چیزی از خدا بخواهد و خدا به او ندهد. آیا واقعاً این احساس را داریم که هر چه از خدا بخواهیم به ما بدهد؟ اگر چنین نباشد توبه محقق نشده است.

اگر شما کسی را دوست داشته باشید عیوب او را می‌پوشانید خدا هم تمام عیب‌های بنده‌ای که توبه کرده و برگشته را می‌پوشاند.

لذا در ادامه سخن امام صادق ع می‌فرمایند: «يُنْسِي مَلَكيه ما كانا يكتبان عليه» خداوند بعد از توبه عبد گناهان او را که به وسیله دو ملک عتید و رقیب، نوشته شده، از یاد آنها می‌برد. «ويوحى إلی جوارحه وبقاع الأرض

۱- کافی ج ۲، ص ۴۳۶، حدیث ۱۲.

أَنْ اَكْتُمِي عَلَيْهِ ذَنْبِهِ « چون زمین و آسمان و دست و پا و چشم و گوش و هر
 قطعه‌ای از زمین در قیامت شهادت می‌دهند. به حکم آیه شریفه ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ
 عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۱) دست و پا و چشم
 و زمین و آسمان و سقف و در و دیوار همه شاهدند؛ اما در مورد انسان گناهکار
 تائب به آن قطعه زمین دستور داده می‌شود که حق نداری ابراز کنی « ستر
 علیه» خداوند ستار العیوب است. زود توبه می‌پذیرد اصلاً خودش تواب است
 او به سراغ ما می‌آید نه اینکه ماسراغ او می‌رویم ولی لازم است که ادراک کنیم.
 نقل کرده‌اند: جوان عاشقی با معشوقه‌اش قرار گذاشته بود سحرگاه
 همدیگر را در جایی ببیند. معشوقه وقتی سر قرار آمد دید عاشق آمده ولی
 سر قرار خوابش برده. چند گردو در جیبش گذاشت و رفت. از خواب که بیدار
 شد دید هوا روشن شده و معشوقه نیست، ولی جیب‌هایش سنگین شده،
 نگاه کرد دید در جیب‌هایش گردو است. رفت سؤال کرد، گفتند: معشوقه آمد و
 رفت و اینها را گذاشت، یعنی تو بچه‌ای و باید دنبال گردو بازی بروی.

کسی که نتواند واقعاً درک محبوب کند، آن هم محبوبی که «أَقْرَبُ
 إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» هر لحظه شاهد است اصلاً کنار ماست. چطور می‌شود
 ما اگر بچه‌ای پنج ساله کنارمان باشد، گناه را انجام نمی‌دهیم، اما خدای
 بزرگی که می‌دانیم حاضر و ناظر است در پیشگاه او گناه می‌کنیم. امام
 سجاده علیه السلام در دعای ابو حمزه ثمالی که مکرر در ماه مبارک رمضان تلاوت

۱- سوره یس، آیه ۶۵.

فرموده‌اید، اینگونه می‌فرماید: «ولو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلت»
خدایا! اقرار می‌کنیم اگر غیر تو ناظر بود، این گناه را نمی‌کردیم حتی اگر
مجنون یا دیوانه‌ای هم از جایی که در آن مرتکب گناه می‌شویم گذر کند دست
از گناه بر می‌داریم و خلاف نمی‌کنیم، لذا اعتراف می‌کنیم که خدایا قیمت
یک دیوانه یا یک کودک پیش ما از تو بالاتر است، آری این یک اقرار است.

ولی بعد امام علیه السلام به ما تعلیم می‌دهند که بگوئیم «ولو خفت تعجيل
العقوبة لاجتنبته» اگر هم بدانیم که اگر این کار را بکنیم گوشمان را فوری
می‌گیرند باز هم نمی‌کنیم اما در پیشگاه تو می‌دانیم که می‌بینی و می‌توانی
عقاب کنی اما نمی‌کنی اینها همه‌اش «لا لائتک أهون الناظرین وأخفّ
المطلّعين» خدایا اینها معنی‌اش این نیست که تو را کوچک می‌دانیم «بل
لائتک یا ربّ خیر الساترین» بلکه می‌دانیم تو خیلی پرده پوشی «وأحکم
الحاکمین وأکرم الأکرمین، ستّار العیوب، غفّار الذنوب، تستر الذنب، وتؤخّر
العقوبة» تو گناه را می‌بینی اما می‌پوشانی، تو می‌توانی عقاب کنی اما به
تأخیر می‌اندازی.

ما یک لحظه فکر کنیم خدای آسمانیم. (تخیلش که اشکال ندارد).
آیا در مقابل این جرایم و جنایاتی که افراد مرتکب می‌شوند، می‌توانیم با تمام
اقتدار خدایی صبر کنیم؟ خدا زلی است نمی‌توانیم برایش بدوی تصویر کنیم
از ازل این مخلوق را همین طور می‌دیده و صبر کرده است.

«لا لائتک أهون الناظرین تستر الذنب وتؤخّر العقوبة» توبه صفای دل

و پاکیزه شدن روح است ولی به خاطر داشته باشیم که ممکن است فرصت توبه از ما گرفته شود. امام سجاد علیه السلام ادامه می دهند: خدایا «ارحمني صریحاً علی الفراش تقلبني»^(۱) آن وقت دیگر در بستر مرگ افتاده ای حالا بعضی ها طول می کشد و بعضی ها نه. خدایا آن وقت به من رحم کن «تقلبني أیدی أحبتي» دوستان، زن و بچه بالا سر نشسته اند این بیمار که افتاده، گاهی هم خیلی طول کشیده و بدن را این طرف و آن طرف می کنند که کرم نیفتد.

«و تفضل عَلَيَّ ممدوداً علی المغتسل یقلبني صالح جیرتی» خدایا! آن وقتی که مرا روی تخت غسلخانه قرار می دهند و بدنم را غسل می دهند در این ساعتها به من لطف و تفضل بفرما «وتحنن عَلَيَّ محمولاً قد تناول الاقربا اطراف جنازتی» آن وقت که این بدن شسته شده را روی تابوت می گذارند و به طرف قبر حرکت می دهند اینجا باید خداوند به فریاد برسد. به جز ذخیره عمل چه چیز دیگری ما را همراهی خواهد کرد؟ «وجد علی منقولاً قد نزلت بك وحيداً في حفرتي» خدایا! آن وقتی که از روی این تخته تابوت بدن را به تنهایی در قبر می گذارند «وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي» غربت و تنهایی قبر باید مورد ترحم قرار گیرد و این دعا مستجاب نیست مگر توبه محقق شده باشد. البته ذات اقدس خدای سبحان این طور است که اگر صد بار هم توبه را شکستی و برگشتی می پذیرد. اما هیچ تضمینی وجود دارد که موفق به توبه بشویم واقعاً ما اطمینانی از یک ساعت آینده مان داریم؟

۱ - مصباح المتعجد ص ۵۹۳.

در کلمات امام سجاد علیه السلام این عبارت را بیان کردیم «إلهي أشكو إليك عدواً يضلني» معمولاً ما را توجّه می دهد به نفس سرکش و طاغی .

معمولاً شکایت به یک قدرت ما فوق از یک ظالم و طاغی می برند . شکایت از کسی می برند که قدرت او را ندارند و الاً اگر بتوانند طرف را تأدیب کنند شکایتش را به کسی نمی کنند . خدایا ! ما هم این گونه هستیم . «شیطاناً يغويني قد ملأ بالسواس صدري» شیطان گمراه می کند این دل سرشار از وسوسه است . یعنی کار این نفس اماره الی الخطا و گناه و عصیان این است که اول دل را به وسواس می اندازد زیرا ایمان طمأنینه می آورد .

آن قدر وسوسه می کند که آدم هر چه می کند خیال می کند خوب می کند «هل أنبئكم بالأخسرین اعمالاً» قرآن می گوید بدتر از همه را معرفی بکنم ؟ ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^(۱) بدترین افراد کسی است که غرق گناه است و نمی داند . دروغ می گوید خیال می کند کار درستی است . فحاشی می کند خیال می کند انجام وظیفه می کند ، غیبت می کند خیال می کند تکلیف شرعی عمل می کند ، تهمت می زند خیال می کند یک مسئولیت بزرگی را ادا کرده است . بد زبانی می کند خیال می کند آرامش ایمانی برای خودش ایجاد کرده است .

حال ما چه کنیم ماها معمولاً گرفتار این هستیم خودم را می گویم که خیلی از گناهها برای ما راحت شده برای اینکه آن را گناه نمی دانیم خیلی از

۱ - سوره كهف ، آیه ۱۰۴ .

خطاها برای ما سهل الوصول و سهل الارتكاب شده و ما خطا محسوب نمی‌کنیم و خیال می‌کنیم نه تنها گناه نیست بلکه فریضه است، نه خطا است بلکه ثواب است. این مشکله اساسی ماست و خداوند انشاء الله دل‌های همه ما را از این بلیه نجات بدهد «وأحاطت هواجسه بقلبي يعاضد لي الهوى» این هوای نفس هم شیطان را کمک می‌کند «ویزین لی حبّ الدنیا».

یک روایت تازه دیده‌ام حیفا م می‌آید برایتان نخوانم «من هوان الدنیا أنه لا یُعصی الله إلا فیها»^(۱) بدترین جا دنیا است آنقدر پست است که در هیچ عالمی غیر از این دنیا خداوند معصیت نمی‌شود. آن وقت جایی که این قدر پست است باید اینقدر دوستش داشت؟ مثل خانه‌هایی که مرکز نجاست است، آن چاهی که مرکز پلیدیها است کسی دوستش دارد؟

خانه سلامت، خانه پاکیزه، خانه‌ای که موجب عروج روح است خانه‌ای که موجب طمأنینه است، خانه‌ای که موجب سکون است خانه‌ای که «فیها ما تشتهیه الأنفس وتلذّ الأعین» تمام خواسته‌های بشر آنجا هست آن را با این خانه معامله می‌کند. نه عالم ذر، نه عالم قبل از خلقت، نه عالم بعد از خلقت هیچ عالمی در آنجا عصیان خدا محقق نمی‌شود عصیان فقط مال این خانه است آن وقت ما این خانه‌ای که مرکز عصیان الهی است را معامله می‌کنیم با خانه‌ای که اصلاً راهی برای عصیان وجود ندارد خانه تکلیف نیست که عصیان بشود «یزین لی حبّ الدنیا ویحول بینی و بین الطاعة والزلفی إلهی إلیک

۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۲.

أشكو قلباً قاسياً» این قلب دچار قساوت بسیار می‌شود «مع الوسواس متقلبا وبالرین والطبع متلبسا و عیناً عن البکاء من خوفك جامدة» واقعاً توی این شبهای ماه رمضان چند شب اشک از چشمها ریخت؟ «عیناً عن البکاء من خوفك جامدة» ما خیلی که موفق نبودیم در مجالس عمومی شرکت داشته باشیم اما گهگاهی می‌دیدم نوجوانهای کم سن و سال در این محافل می‌آیند و تمام صورتشان غرق اشک است من با این ریش سفید خجالت می‌کشیدم می‌گفتم چه دل پاکیزه‌ای که زود اشک جاری می‌شود برای اینکه آلوده گناهیم وقتی دل قساوت پیدا کرد، دیگر نمی‌شکند وقتی دل نشکست، اشک جاری نمی‌شود. اشک جاری مال دل صاف و با صفا است، مال قلب پاکیزه است. چطور اگر کسی حرف زوری بزند و قدرتی نداشته باشیم زود دلمان می‌شکند و اشک جاری می‌شود این حب نفس است ولی حب خدا چطور؟ وصال محبوب چطور؟ دسترسی به خوبی‌ها و خیرات چطور؟ اینها ارزش ندارد؟ دل وقتی قساوت پیدا می‌کند دیگر نمی‌تواند به آن مراحل برسد. به هر حال موفق نشدیم این فراز از مناجات را به پایان ببریم انشاء الله در جلسه بعد ذیل مناجات را بحث خواهیم کرد.

«وَقَفَّكُمْ اللَّهُ وَإِنَّا لَمَرْضَاتِهِ إِنشاء الله».

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱۳۸۴/۸/۱۸)

بدترین افراد کسی است که
غرق گناه است و نمی‌داند. دروغ
می‌گوید خیال می‌کند کار درستی
است. فحاشی می‌کند خیال می‌کند
انجام وظیفه می‌کند، غیبت می‌کند
خیال می‌کند تکلیف شرعی عمل
می‌کند، تهمت می‌زند خیال می‌کند
یک مسئولیت بزرگی را ادا کرده است.
بد زبانی می‌کند خیال می‌کند آرامش
ایمانی برای خودش ایجاد کرده است.

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ نمابر: ۷۷۴۳۹۱۹